



حقوق و تکالیف متقابل اعضای خانواده در آموزه‌های قرآن نیلوفر قاسمیان

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر کرد

چکیده

خانواده علاوه بر اینکه نهاد مقدسی است، رکن اساسی یک جامعه است چرا که فرزندان که در آن پرورش و رشد می‌یابند، در آینده در جامعه ظاهر شده و حسب مورد مشغول به انجام شغلی می‌شوند و آینده‌ی کشور در دست آنهاست از طرفی خود آنها نیز پس از ازدواج بایستی فرزندان خود را تربیت کنند. در نتیجه اگر در یک خانواده، فرزندان به طور صحیح تربیت نشده باشند، به همین منوال ادامه یافته و اصلاً جامعه‌ی مطلوبی نخواهیم داشت. لازمه‌ی تربیت و پرورش صحیح فرزندان در یک جامعه ابتدا رعایت حقوق و تکالیف زوجین از جمله مودت و رحمت نسبت به یکدیگر و انجام تکالیف هریک است. از طرف دیگر فرزندان نیز طبق آموزه‌های قرآن بایستی حقوق والدین خود را رعایت کنند. در این پژوهش به بررسی حقوق و تکالیف اعضای یک خانواده نسبت به یکدیگر از دیدگاه قرآن کریم و سنت معصومین و نیز قوانین شرعی و حقوقی کشور ایران می‌پردازیم. گردآوری اطلاعات در این پژوهش با توجه به نوع تحقیق، روش کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها، روش تحلیلی توصیفی است. **کلمات کلیدی:** حقوق زوجین نسبت به یکدیگر، حقوق والدین نسبت به فرزندان، حقوق فرزندان نسبت به والدین، آموزه‌های قرآن و سنت، قوانین و مقررات حقوقی



مقدمه

عقد نکاح پیوندی است که زن و مرد با یکدیگر می‌بندند و بالاترین هدف ازدواج زن و مرد، تشکیل خانواده است. زوجین، این عقد تازه منعقد شده را باید همچون فرزندی نوپا از آن بخوبی مراقبت کنند تا منجر به طلاق در عقد نکاح دائم نشود. در این راستا آموختن مهارت‌های زندگی، رعایت حقوق زوجین نسبت به یکدیگر بسیار مؤثر است. اگر عقد نکاح به درستی منعقد شود و شرایط صحت این عقد رعایت شود، آثاری به همراه دارد که می‌توان گفت همه‌ی این آثار در واقع همان حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر است. با انعقاد عقد نکاح، نهاد مهم و مقدس خانواده بوجود می‌آید. در این نهاد مقدس باید حقوق اعضای این نهاد رعایت شود و به تبع آن هر کس به تکالیفی که دارد عمل کند تا حقوق دیگری رعایت شود چرا که حقوق هر فردی در خانواده برابر است با تکلیف دیگری به رعایت حقوق آن فرد. البته باید یادآور شویم که فرزندان نیز بعنوان عضو یک خانواده، دارای حقوق و تکالیفی در برابر سایر اعضا خانواده یعنی والدین خود هستند. فرزندان در یک خانواده پرورش می‌یابند که یک خانواده همان طور که می‌تواند سبب رشد و بالندگی فرزندان شود، با عدم رعایت حقوق زوجین نسبت به یکدیگر که موجب از بین رفتن آرامش در خانواده می‌شود یا با عدم رعایت تکالیف والدین نسبت به فرزندان همچون عدم تربیت آنها، سببی برای انحطاط فرزندان می‌شود. حال سؤال اینجاست که آیا از لحاظ حقوقی عدم رعایت حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر و عدم رعایت حقوق فرزندان نشان و نیز عدم رعایت تکالیف فرزندان نسبت به والدین، ضمانت اجرای قانونی دارد؟ شرایط صحت عقد نکاح چه چیزهایی هستند که در صورت فقدان یکی از آنها، آثار عقد نکاح از جمله حقوق و تکالیف اعضای خانواده نسبت به یکدیگر بوجود نمی‌آید که واجب باشد تا رعایت شوند؟ آموزه‌های قرآنی در زمینه‌ی رعایت حقوق اعضای خانواده نسبت به یکدیگر چه می‌گویند؟ آیا طبق آموزه‌های قرآنی و سنت معصومین (ع) ضمانت اجرا برای عدم رعایت حقوق و تکالیف اعضا نسبت به یکدیگر وجود دارد؟



1- عقد نکاح

عقد نکاح عقدی است که با پیمان زناشویی زن و مرد منعقد شده و به هدف ایجاد نهاد مقدسی است که این نهاد در همه جا-ی جهان دارای اهمیت است.

پیوند زناشویی، امری غریزی بوده و از نیازهای اولیه انسان است و نیازی به آموزش ندارد؛ لیکن تداوم این پیوند و داشتن روابطی صحیح که به پایداری خانواده منجر می شود، نیازمند آموزش و عنایتی ویژه از سوی دلسوزان جامعه است و قرآن کریم نیز بعنوان برترین راهنمای انسانها در این زمینه تعیین تکلیف نموده است بخش عظیمی از آیات را به تنظیم روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف زوجین و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی، می تواند انسان را جهت دستیابی به عالی ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. تأکیدات اخلاقی و سفارشات حقوقی کتاب مقدس قرآن برای تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، بیش از جوانب دیگر حیات بشری است (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۷).

ازدواج کارکرد های زیادی دارد از جمله: الف) تکامل شخصیت که با پذیرفتن نقش همسر بودن و نقش پدر یا مادر بودن، نوعی کمال در شخصیت یک انسان بوجود می آید. ازدواج سبب رشد عاطفی فرد می شود. ب) کامل شدن ایمان که پیامبر اکرم فرمودند: "هر جوانی که در آغاز جوانی خویش ازدواج کند شیطان فریاد بر می آورد ای وای ای وای دو سوم از دین خود را از دستبرد من در امان داشت. پس این بنده باید در یک سوم باقی مانده، تقوای الهی پیشه کند." ج) ایجاد آرامش روانی که زوجین رفیق و حامی عاطفی یکدیگر اند. د) کسب استقلال. ه) تجربه ی مدیریت که زوجین به تناسب خویش به برنامه ریزی برای اجرای ایده های خویش می پردازند و این موضوع با تولد طفل گسترده تر می شود. خ) بهره مندی از حمایت های گسترده ی مالی و عاطفی و روانی از جانب خانواده دختر و پسر. ر) ارضای میل به جاودانگی که فرد تداوم حیات خویش را در فرزندانش می بیند. ز) کسب اعتبار اجتماعی که در عرف مردم برای متأهل ها احترام بیشتری قائل اند. ژ) ارضای نیاز جنسی (آیت الهی، بانکی پور فرد، بداغی، حسینی، حکمت نیا، سیاح، محمودی و نامجو، ۱۳۹۵: صص ۶۲-۵۹).

وقتی عقد نکاح به درستی و با شرایطی که برای سایر عقود در ماده ی ۱۹۰ قانون مدنی مشخص شده و از آنها به شرایط صحت قرارداد ها تعبیر می شود؛ منعقد شد، حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر ایجاد می شود که حقوقدانان به این حقوق و تکالیف "آثار نکاح" می گویند. در این خصوص نیز ماده ی ۱۱۰۲ قانون مدنی به صراحت به این موضوع اشاره نموده است. حقوقدانان این آثار را به دو دسته ی آثار مالی و آثار غیر مالی تقسیم کرده و آن ها را بررسی نموده اند (صفایی و امامی، ۱۳۹۴، صص ۱۳۱-۱۳۰).

۱-۱- شرایط صحت عقد نکاح

^۱ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰



عقد نکاح یکسری شرایط عمومی برای صحت دارد که در ماده‌ی ۱۹۰ قانون مدنی بیان شده است بدین توضیح که این عقد برای منعقد شدن و اینکه آثار مالی و غیر مالی خودش را بگذارد و به هدف مقدس تشکیل خانواده بیانجامد، نیازمند شرایطی اختصاصی نیز برای صحت انعقاد عقد است که این شرایط عبارت است از: ۱- اختلاف جنس: نکاح بین دو همجنس باطل است. ۲- اشتباه در هویت جسمی: عقد نکاح یک عقد شخصی و قائم به شخص است و اشتباه در هویت جسمی یکی از طرفین عقد نکاح، نکاح را باطل می‌کند. ۳- اشتباه در اوصاف: اگر اوصافی باشد که قبل از انعقاد عقد شرط شده اند و عقد متبایناً بر آن انعقاد یافته باشد و وصف مزبور اساسی باشد نکاح باطل است (ماده‌ی ۲۰۱ قانون مدنی) و اگر وصف مزبور فرعی باشد به گونه‌ای که موجب رغبت بیشتر به نکاح باشد و اگر این وصف خاص ضمن عقد شرط شده، صرفاً حق فسخ ایجاد می‌کند (ماده‌ی ۱۱۲۸ قانون مدنی). ۴- شروط ضمن عقد نکاح نباید باطل و مبطل عقد باشند و گرنه عقد را باطل می‌کند که این شروط همانا شرط خلاف مقتضای عقد است. ۵- شرط اذن پدر دختر باکره برای ازدواج با مردی. ۶- اجازه‌ی دولت مبنی بر ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه. ۷- منع ازدواج مردان ایرانی کارمند وزارت امور خارجه با زن خارجی و بیگانه. ۸- وجود موانع ازدواج که اگر نکاحی با وجود این موانع واقع شود، نکاح اخیر باطل است که این موانع عبارتند از: الف) شوهر داشتن ب) داشتن چهار زن دائم که موجب بطلان نکاح دائم با زن پنجم است. ۹- عدم رعایت گذشتن عده زن و نکاح با وی. ۱۰- ازدواج با محارم سببی و نسبی. ۱۱- ازدواج زن مسلمان با مرد نامسلمان چه عقد دائم و چه عقد موقت باطل است لیکن ازدواج موقت مرد مسلمان با زن نامسلمان صحیح و نکاح دائم با زن نامسلمان باطل است لیکن به عقیده‌ی اهل سنت، به اجماع، این نکاح معتبر شناخته شده است. ۱۲- لعان: موجب حرمت ابدی زن و شوهر می‌گردد. ۱۳- احرام: ماده‌ی ۱۰۵۳ قانون مدنی (صفایی و امامی، ۱۳۹۴: صص ۱۲۹-۴۸).

2-1- نکاح و تشکیل خانواده

با انعقاد عقد نکاح نهادی مقدس به نام خانواده تشکیل می‌شود. خانواده رکن بسیار مهمی در جامعه است به گونه‌ای که اولین شرط داشتن جامعه‌های سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. فرزندان یک خانواده زیر چتر حمایتی آن است که می‌توانند پیشرفت‌های علمی و هنری داشته باشند (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۷). خانواده سه وظیفه‌ی عمده دارد: یکی مسائل جنسی است که در خانواده باید حل شود؛ دیگر فعالیت خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی و بالاخره پرورش کودکان است که از وظایف مهم خانواده به شمار می‌آید. (فرجاد، ۱۳۶۳: ص ۲۰) خانواده یک نهاد حقوقی است که اعضای تشکیل دهنده‌ی آن به وسیله رشته زناشویی، خون یا فرزند خواندگی با یکدیگر پیوند می‌یابند و در یک مجموعه واحد با هدف مشترک زندگی می‌کنند. خانواده‌ای که براساس معیارهای قرآنی تشکیل شده باشد، آرامش و آسایش جسم و جان انسان تأمین می‌گردد و در صفا و صمیمیت و همفکری و همدردی و هماهنگی



آن، خستگی های عصبی و جسمی زدوده می شود و زن و شوهر می توانند با اتحاد مستحکم تر حرکت کنند. فرزندان این نوع خانواده ها نیز، انسان هایی دلسوز و مهربان و عنصرهای پر کار و متعهد و هدفمند در جامعه می باشند (غفاری، ۱۳۹۱: ۳). نیاز های جوان است که وی را به حرکت وادار می دارد که از جمله این نیاز ها می توان به سلامت، محبت و امنیت اشاره کرد یکی از نیاز های یک جوان و به طور کلی یک انسان، احتیاج به همراهی یک جنس مخالف است و این همراهی است که نیاز های مختلف یک انسان را برآورده می کند همانند نیاز های عاطفی و نیاز های جنسی (آیت الهی، بانکی پور فرد، بداعی، حسینی، حکمت نیا، سیاح، محمودی و نامجو، ۱۳۹۵: صص ۲۰-۱۹).

۲- حقوق زوجین در مقابل یکدیگر

از حقوق زوجین در برابر یکدیگر می توان به مواردی اشاره نمود از جمله: ۱- حسن معاشرت که همان خوش رفتاری زوجین نسبت به یکدیگر است و ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی زوجین را مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر نموده است. لازم به ذکر است. حسن معاشرت یعنی زوجین از مجادله و اهانت به یکدیگر و نقض حقوق دیگری پرهیزند. ۲- معاضدت که در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی آمده است. هدف اصلی از ازدواج همکاری زوجین در زندگی مشترک است که موجب سعادت و رفاه اعضای آن خانواده می شود. معیار معاضدت زوجین همچون حسن معاشرت بین آنها، عرف و عادت است. ۳- وفاداری از نظر اخلاق حسنه و عرف و عادت در جامعه این است که زوجین از روابط نامشروع خودداری کنند و همچنین اصول حقوقی و مقررات جزایی حاکی از وجود آن در حقوق ایران است. آثار غیر مالی مذکور حقوق و تکالیف مشترک زوجین هستند (صفایی و امامی، ۱۳۹۴: صص ۱۳۲-۱۳۱). از دیگر حقوق زن در نکاح دائم در برابر شوهرش می توان به حقوق مالی از جمله نفقه، مهریه، ارث اشاره کرد که قانونگذار ضمانت اجرای عدم پرداخت نفقه به زن را در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تعیین نموده است^۲ (صفایی و امامی، ۱۳۹۴: صص ۱۵۶-۱۴۳). قانون گذار در خصوص مهریه نیز در مواد ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۱ در قانون مدنی مقرراتی تعیین نموده است (صفایی و امامی، ۱۳۹۴: صص ۱۵۷-۱۵۶).

۱-۲ حقوق اختصاصی زن و حقوق اختصاصی مرد

به صورت دقیق تر نیز می توان به حقوق اختصاصی مرد و حقوق اختصاصی زن نیز اشاره کرد.

الف) حقوق اختصاصی مرد: ۱) مدیریت خانواده که مرد در راستای این حق می تواند زن را از اشتغال به شغل خاص که با مصالح خانواده و حیثیت شخصی زوجین سازگار نباشد، طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، منع کند (۲) تمکین زوجه از زوج که هم شامل تمکین عام و اطاعت از اوامر شوهر و هم شامل تمکین خاص که همانا ارضای نیاز جنسی مرد است برآورده کند مگر آنکه مانع عقلی یا شرعی وجود داشته باشد. (۳) ولایت بر فرزندان.

^۲ مواد ۱۱۱۱ و ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ قانون مدنی و ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده



(ب) حقوق اختصاصی زن: (۱) حق نفقه که حدود آن در ماده‌ی ۱۱۰۷ قانون مدنی تعیین شده است. البته زن باید ناشزه نباشد و از شوهرش تمکین کند تا نفقه به وی تعلق بگیرد. (۲) حق مهریه: قرآن کریم از مهریه به صداق یاد کرده است^۳ آیت الهی، بانکی پور فرد، بداغی، حسینی، حکمت‌نیا، سیاح، محمودی و نامجو، ۱۳۹۵: صص ۱۲۸-۱۲۳).

۲-۲ حقوق مشترک زوجین

الف) سکونت مشترک: که از حقوق زن و مرد است نسبت به یکدیگر.

ب) اظهار محبت نسبت به یکدیگر

ج) تکامل زن و مرد: بدین معنی که زوجین باید زمینه‌ی رشد و تکامل یکدیگر را فراهم کنند (فرزندوحي و احمدی، ۱۳۹۲: ص ۷۴).

۳- حقوق فرزندان در مقابل والدین

فرزندان نیز در خانواده علاوه بر وظایفی که نسبت به پدر و مادر خویش دارند^۴، حقوقی در مقابل والدین خود نیز دارند. پدر و مادر هر دو باید در تربیت فرزند خود بکوشند. فرزندان در این موضوع نیازمند مهربانی از جانب والدین خود هستند. خانواده‌ها می‌توانند زمینه ساز رشد و تعالی فرزند خود باشند و نیز می‌توانند سبب انحطاط فرزندان را هم بوجود آورند.

رمز موفقیت یک خانواده در وصول به اهداف و آرمان‌ها وجود توافق و تفاهم بین زوجین است و اگر میان زوجین توافق نباشد، در تربیت فرزند نیز چندان موفقیتی ندارند. حال اگر میان زوجین تفاهم نباشد ولو اینکه یکی از طرفین دقیق و وظیفه شناس باشد و به وظیفه تربیتی خویش عمل کند، چندان تأثیر مثبتی بر فرزند نخواهد گذاشت. همانند داستان پسر حضرت نوح که مادرش زنی گمراه بود لیکن پدر وی مردی دیندار؛ پسر نوح تحت تأثیر مادر گمراه خود قرار گرفت و خداوند نیز به حضرت نوح فرمود: آن پسر از خاندان تو نیست^۵ (غفاری، ۱۳۹۱: ۴). از سنت ائمه (ع) از جمله حضرت ابراهیم^۶، حضرت زکریا^۷، امام سجاد^۸ می‌فهمیم که از حقوق فرزندان، دعای خیر پدر و مادر در حق آنهاست (غفاری، ۱۳۹۱: ۵-۴).

^۳ نساء، آیه ۴

^۴ اسراء، آیه ۲۴-۲۳

^۵ هود، آیه ۴۶

^۶ بقره، آیه ۱۲۸

^۷ آل عمران، آیه ۳۸

^۸ صحیفه سجاده، دعای ۲۵، دعای در حق فرزندان



حضرت علی (ع) می فرماید: "ان للولد علی الوالد حقا و ان للوالد علی الولد حقا فحق الوالد علی الولد ان یطیعه فی کل شیء الا فی معصیه الله سبحانه و حق الولد علی الوالد ان یحسن اسمه، و یحسن ادبه و یعلمه القرآن"^۹ (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹). اما در قوانین کشور ایران بویژه در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ضمانت اجرایی برای عدم رعایت برخی از حقوق فرزند توسط والدین بیان شده است.

اصلی ترین حق فرزند از نظر قانونگذار ایران، حق ولایت بر اوست که این امر فقط به عهده‌ی پدر و جد پدری است که این موضوع صراحتاً در مواد قانونی ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ قانون مدنی بیان شده است که این حق ولایت پدر و جد پدری طبق ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی بیشتر ناظر بر حقوق مالی و در واقع همان نفقه به فرزند می‌باشد و در این جهت اگر پدر یا در صورت فوت وی، جد پدری طفل در این زمینه رعایت مصلحت او را نکند هرچند که دادگاه او را به ولایت منصوب نکرده لیکن طبق ماده‌ی ۱۱۸۴ قانون مدنی دادگاه می‌تواند وی را از آن سمت ولایت عزل نماید. مادر حق ولایت ندارد چرا که او ولی خاص طفل بشمار نمی‌آید و اگر ولی طفل محجور شد، طبق ماده‌ی ۱۱۸۵ قانون مدنی، دادگاه وی را بعنوان قیم طفل تعیین می‌کند ولی این موضوع سببی نیست که مادر اصلاً هیچ گونه وظیفه‌ای در مقابل طفلش نداشته باشد بلکه او طبق ماده‌ی ۱۱۶۸ قانون مدنی وظیفه‌ی نگهداری از طفل را برعهده دارد. حق حضانت و نگهداری از طفل پس از طلاق زوجین نیز در مواد قانونی از قانون حمایت خانواده بیان شده که مصلحت طفل را نیز در نظر گرفته است^{۱۰} باید بیان کرد که قانونگذار حق تنبیه طفل را برای والدین طفل گذاشته است لیکن این بدین معنا نیست که والدین خارج از حد متعارف و آنچه که عرف می‌پذیرد تعدی کرده و طفل را به طرز شدیدی تنبیه کند و این موضوع صراحتاً در ماده‌ی ۱۱۷۹ قانون مدنی بیان شده است.

۴- حقوق والدین در مقابل فرزندان

رسول خدا در پاسخ به پرسشی درباره احترام به پدر و مادر سه بار با تأکید فرمود: «مادر، مادر، پدر، پدر، پدر» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳، ح ۱۷).

اهمیت احترام به والدین آنقدر والا است که قرآن کریم آنرا در کنار یکتا پرستی بیان کرده است^{۱۱}. و نیز در سخن دیگری رسول خدا (ص) درباره حق پدر بر فرزند فرمود: ۱- پدر را با اسم صدا نزنند. ۲- پیش رویش راه نرود. ۳- قبل از او ننشینند. ۴- به پدر ناسزا نگوید. (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۷، ح ۵).

^۹ امام علیه السلام فرمود: فرزند بر پدر حقی دارد و پدر را نیز بر فرزند حقی است. حق پدر بر فرزندان این است که در همه چیز جز در معصیت خداوند سبحان از او اطاعت کنند و حق فرزند بر پدر این است که نام نیک بر او بگذارد و او را به خوبی ادب آموزد (و تربیت کند) و قرآن را به او تعلیم دهد ترجمه: آیت الله مکارم شیرازی

^{۱۰} مواد قانونی ۴۲-۴۰ و ماده‌ی ۵۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

^{۱۱} نساء، آیه ۳۶ - بقره، آیه ۸۳ - انعام، آیه ۱۵۱



در نتیجه اگر فرزندان به والدین خود احترام نگذارند، در واقع به وظیفه‌ی شرعی خود عمل نکردند و این موضوع به اندازه‌ای مهم است که حتی اگر والدین کافر باشند، باز هم احترام آنها واجب است. لیکن لازم به ذکر است که با بررسی در قوانین حقوقی ایران هیچ گونه ضمانت اجرایی برای عدم رعایت حقوق والدین که برعهده‌ی فرزندان است، تعیین نشده و این موضوع بیشتر جنبه‌ی اخلاقی دارد.

۵- آموزه های قرآنی در تحکیم خانواده و رعایت حقوق متقابل زوجین و فرزندان آنها

در کتاب قرآن برای استحکام خانواده وظایفی به زوجین در برابر یکدیگر و در مقابل فرزندان آنها محول کرده است و البته حقوقی را نیز برای هریک از اعضای خانواده معین نموده است که در ذیل به ذکر چند مورد می‌پردازیم:

۱- الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ
مردان سرپرست و قیم زنانه به آن جهت که خداوند بعضی را به بعضی برتری داده است و به آن جهت که آنها از مال خود برای خانواده نفقه می‌دهند.^{۱۲}

۲- وَاعْشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ

با زنان به نیکویی رفتار کنید.^{۱۳} که این موارد از تکالیف شوهر نسبت به همسرش و از حقوق زن می‌باشد. در ادامه به حقوق شوهر و وظیفه‌ی زن که در قرآن تعیین شده است، اشاره می‌کنیم:

۳- فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ

زنان صالح در برابر شوهران خود، مطیع و متواضع اند و در غیاب آنها حافظ مال و ناموس آنهاند.^{۱۴}

حال به بررسی حقوق فرزندان در خانواده که در روایات و قرآن کریم بیان شده، می‌پردازیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

يلزم الوالدین من عقوق الولد ما يلزم الولد لها من العقوق

والدین در برابر حقوق فرزند به همان اندازه مسؤولیت دارند که فرزند در برابر حقوق پدر و مادر مسؤول می‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳).

۴- يُوَصِّيْكُمْ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ

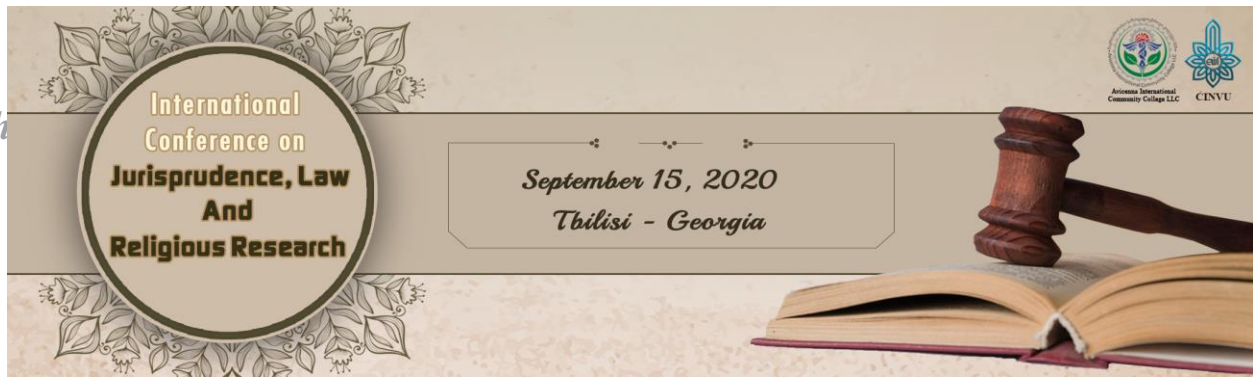
خدا درباره فرزندان شما به شما سفارش می‌کند.^{۱۵}

^{۱۲} نساء، آیه ۳۴.

^{۱۳} نساء، آیه ۱۹.

^{۱۴} نساء، آیه ۳۴.

^{۱۵} نساء، آیه ۱۱.



۵- وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
و آنان که می گویند: ای پروردگار ما، از همسران و فرزندان ما دل‌های ما را شاد گردان.^{۱۶}



نتیجه گیری

قرآن خانواده را محل مودت و مهربانی و دوستی می‌داند.^{۱۷} در خانواده با مهر و دوستی می‌توان به سخت‌ترین مقاصد رسید. تعامل دوستانه بین زوجین و حسن معاشرت شوهر با همسرش و تمکین زن از شوهر خود، موجب آرامش می‌شود به همین دلیل است که قرآن کریم در آیه‌ی شریفه ۲۱ سوره‌ی روم از لفظ "لتسکنوا" یاد کرده است و از دیدگاه این کتاب مقدس وظیفه‌ی اعضای خانواده، زمینه‌سازی و نیل به جهت آرامش در خانواده است. دو لفظ رحمت و مودت که در آیه‌ی شریفه یاد شده است، در واقع رحمت از جانب زن است نسبت به همسرش و مودت از جانب شوهر نسبت به همسر خود است. بدین توضیح که غالباً زن از شوهر خود کم سن و سال تر است و مرد نسبت به همسرش مسن‌تر؛ و در زمان پیری و کهولت سن شوهر است که زن باید نسبت به همسر خود رحمت و مهربانی و دلسوزی و پرستاری داشته باشد و مودت از این جهت است که مرد باید در طول زندگی خود با همسرش، با وی حسن معاشرت و مودت داشته و با دوستی با او رفتار کند. از طرف دیگر نیز اگر زوجین با یکدیگر به درستی رفتار کنند، فرزندان این خانواده نیز از نظر روحی روانی سالم تر بوده و در زندگی شخصی خود در آینده نیز دچار مشکل و اختلاف نمی‌شوند.

از زمانیکه عقد نکاح واقع می‌شود مانند سایر عقود بعد از انعقاد عقد، حقوق و تکالیفی برای طرفین عقد وجود می‌آورد. حقوق و تکالیفی همچون تمکین زن که از تکلیف او و حقوق شوهرش است، حسن معاشرت که از حقوق طرفین و تکالیف هر دو زوج و زوجه است و نیز زوجین در برابر فرزندانشان تکالیفی دارند که ملزم به رعایت آنها هستند و در صورت عدم رعایت این تکالیف، در قوانین ضمانت اجرا مشخص شده است. درحالیکه اگر فرزندان حقوق والدین خود را رعایت نکنند، ضمانت اجرای حقوقی و قانونی ندارد لیکن از نظر مذهبی و اخلاقی فرزندان مکلف به رعایت حقوق والدین خویش هستند. به طور کلی هرچه اعضای یک خانواده حقوق یکدیگر را رعایت نمایند، جامعه‌ای سالم‌تر داریم چرا که فرزندان آن خانواده نیز در جامعه با نقش‌ها و مشاغل گوناگونی ظاهر شده و به نوبه‌ی خود، مؤثر در جامعه هستند. یکی از دلایلی که امروزه شاهد تعداد زیادی از پرونده‌ها در دادگستری اعم از پرونده‌های کیفری و حقوقی و خانوادگی هستیم، نیز عدم رعایت حقوق و تکالیف اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است که می‌تواند علل مختلفی داشته باشد از جمله عدم آموزش مهارت‌های زندگی به زوجین قبل از تشکیل خانواده و شروع زندگی آنها، برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی که غالباً عدم احترام به بزرگترها و عدم اطاعت از اوامر شرعی بزرگترها را نشان می‌دهد، مشغله‌های روزمره اعم از شغلی و فکری که موجب فراموش کردن والدین از تربیت فرزندانشان می‌شود. اگر جامعه ما به آموزه‌های قرآن کریم و سنت ائمه و معصومین و نیز به اخلاقیات عمل کرده و اهمیت بیشتری بدهد، بسیاری از مشکلات خانوادگی و در سطح وسیع‌تر مشکلات جامعه حل می‌شود و آمار طلاق‌ها و نیز آمار جرم و جنایت و دعاوی حقوقی نیز بسیار کاهش می‌یابد.



منابع

قرآن کریم

قانون مدنی

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

فرجاد، محمدحسین، (۱۳۶۳)، **آسیب شناسی اجتماعی**، انتشارات بدر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳صفایی، حسین و امامی، اسدالله، (۱۳۹۴)، **مختصر حقوق خانواده**، نشر میزان، چاپ چهل و دوم، تهران، ۱۳۹۴مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ه.ق.)، **بحار الأنوار**، مؤسسه ی الوفاء، بیروت، لبنان، الطبعة الثالثة، ج ۱۰۴، ۱۴۰۳ ه.ق

آیت الهی، زهرا و بانکی پورفرد، امیر حسین و بداغی، فاطمه و حسینی، شیما سادات و حکمت نیا، محمود و سیاح، مونس و

محمودی، محمد جواد و نامجو، بتول، (۱۳۹۵)، **دانش خانواده و جمعیت، ویراست دوم**، دفتر نشر معارف، چاپ

بیست، قم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۹۵

حسینی، اکرم السادات، ۱۳۸۳، **تحکیم خانواده در آموزه های قرآنی، مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۲۶، صص ۴۶-۸۱فرزندوحی، جمال و احمدی، فاطمه، ۱۳۹۲، جایگاه حقوق و اخلاق در خانواده از منظر قرآن و روایات، **فصلنامه سراج**

منیر، شماره ۱۰، سال سوم، صص ۶۷-۸۴

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۶، ترجمه و شرح حکمت ۳۹۹ نهج البلاغه: حقوق متقابل پدر و فرزند، مؤسسه تحقیقات و نشر

معارف اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۸/۰۹/۱۶، ahlolbait.com/article/18875/